

## بررسی محتوایی رمان فلسطین از آغاز قرن بیستم تا ۱۹۴۸

### چکیده

رمان فلسطین همچون رمان سایر کشورهای عربی، زائیده نهضت ادبی است. در این بررسی تلاش شده است تا با شیوه توصیفی- تحلیلی و لحاظ کردن شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فلسطین، محتوای رمان این سرزمین، از آغاز قرن بیستم تا ۱۹۴۸ مورد بررسی قرار داده شود. در ادبیات فلسطین، عوامل نهضت ادبی نیرومحرکه رمان فلسطین گردید. رمان‌های غربی، ترجمه و در روزنامه‌ها و مجلاتی که در چاپخانه‌هایی که در فلسطین تأسیس شده بودند، چاپ می‌شدند. با توجه به گسترش تأسیس مدارس و افزایش سطح سواد عمومی تمایل به خواندن مطبوعات و آثار ترجمه شده نیز افزایش یافت و همین امر مترجمان را ترغیب به ترجمه آثار بیشتری می‌کرد. وقتی برخی مترجمان به سطحی از مهارت و آگاهی رسیدند، دست به تألیف زدند و آثاری را خلق نمودند که سنگ بنای رمان فلسطین به شمار می‌رود. گرچه بسیاری از آثار از میان رفته‌اند و نمی‌توان به شکلی دقیق در محتوای آن وارد شد، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که موضوع مقاومت مردم علیه مهاجران یهودی، موضوع فروش زمین‌ها و تلاش یهود برای سیطره بر فلسطین از موضوعات اصلی اغلب این آثار به شمار می‌رود. بررسی محتوایی رمان این دوره نشان می‌دهد موضوع فلسطین و مهاجرت یهودیان به این سرزمین و مشکلات ناشی از آن، تا پیش از ۱۹۴۸ نیز وجود داشته، اما چندان جدی و مهم نبوده است. حتی از لحاظ کمی نیز، رمان‌های چندانی نوشته نشد که بتواند بیانگر آلام و آمال مردم فلسطین باشد.

**کلیدواژه‌ها:** رمان، فلسطین، مقاومت، نکبه، سال ۱۹۴۸.

## ۱. مقدمه

تاریخ سرزمین فلسطین تا حد زیادی بر همگان روشن است، سرزمینی که ساکنانش تحت حاکمیت‌های گوناگونی بوده‌اند. فلسطین از قرن شانزدهم میلادی تا آغاز جنگ جهانی اول تحت سیطره عثمانیان قرار داشت و از ظلم ترک‌ها رنج می‌برد، پس از آن به تحت‌الحمایگی انگلیس در آمد و با حيله آنان به تدریج از سرزمین مادریشان بیرون رانده شدند تا قوم یهودیان صهیونیست جایگزین آنان شوند. از آن به بعد برخی در آنجا ماندند، بسیاری به‌ناچار در کشورهای همسایه پناهنده شدند و برخی نیز به سایر کشورها مهاجرت کردند. مسلماً سرزمینی با چنین شرایطی ادبیات خاص خود را خواهد داشت. با آغاز نهضت ادبی در جهان عرب، ادبیات فلسطین نیز دچار تحول گردید؛ اما آنچه که شاید در این سرزمین بیش از سایر کشورها پر رنگ بوده، تأثیر شرایط سیاسی بر ادبیات بوده است. مردمی که از حقوق مسلم خود محروم شده‌اند جز از حق نمی‌توانند سخنی به میان آورند و بخش عظیمی از آثارشان را به این امر اختصاص می‌دهند.

در دوره عثمانی زبان رسمی حکومت، زبان ترکی بود و حکومت عثمانی قومیت عرب و استقلال اداره داخلی را برای آنان به رسمیت نمی‌شناخت. ادبیات این دوره به‌طور کلی تقلید از سبک قدما و رکود بود (السوافیری، ۱۹۷۹: ۱۸). با نقش‌آفرینی انگلیس در سرنوشت فلسطین و اعلام بیانیه بالفور ادبیات فلسطین سمت و سوی خود را تا حد زیادی پیدا کرد. در این مرحله ادبا با احساس خطر از پیمان‌نامه بالفور و اقدامات بریتانیا در زندانی کردن و شکنجه مخالفان این پیمان‌نامه، نسبت به عواقب این رخداد هشدار داده و با صدور آثار ادبی به مقابله پرداختند. در میان انواع ادبی، ادبیات داستانی جایگاه ویژه‌ای دارد. ویژه بودن این جایگاه از آن جهت است که ادبیات داستانی به دلیل قرابتی که با زندگی واقعی جامعه دارد با استقبال مردم مواجه گردید و توانست بی‌واسطه‌ترین مسائل را در خود منعکس سازد و آینه‌ای تمام‌نما باشد از آنچه مردم با آن مواجه هستند.

ادبیات فلسطین پیش از ۱۹۴۸ چندان برجسته نبوده و به همین سبب زیاد مورد توجه ناقدان ادبی نیز نبوده است. با این حال سنگ بنای ادبیات فلسطین در این دوره بنا نهاده شد و پرداختن به آن خالی از فایده نخواهد بود. مشکل اصلی در این پژوهش کمبود منابع بوده است،

منابعی که به تفصیل ادبیات این دوره را مورد بررسی قرار داده باشند، زیرا آثار بسیاری که به ادبیات فلسطین، به ویژه رمان، پرداخته‌اند، در بررسی رمان فلسطین تا پیش از ۱۹۴۸ چندان دقیق نبوده و به ارائه مطالب کلی بسنده کرده‌اند.

#### ۱.۱. سؤال پژوهش

در مقاله پیش رو سعی شده است مطالب به نحوی ارائه شود تا به این سؤال پاسخ دهد: رمان‌هایی که از ابتدای قرن بیستم تا ۱۹۴۸ تألیف شد کدام‌ها بوده و چگونه به موضوع مقاومت پرداخته‌اند؟

#### ۱.۲. پیشینه پژوهش

با بررسی‌های انجام شده و جستجو در منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های معتبر عربی، اثری که به طور مجزا به رمان فلسطین پیش از ۱۹۴۸ پرداخته باشد یافت نشد، بلکه مطالب در خلال سایر مطالب و به‌طور کلی و گذار عنوان شده است مانند مقاله «رحلة الروایة الفلسطینیة» نوشته عمر شاهین و مقاله «مدخل تاریخی للروایة الفلسطینیة» نوشته وادی فاروق، همچنین کتاب «الروایة فی الأدب الفلسطینی» اثر أحمد أبو مطر و کتاب‌های «حیاء الأدب الفلسطینی الحدیث من اول النهضة حتی النکبة» و «فی الأدب الفلسطینی الحدیث» نوشته عبدالرحمن یاغی که بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در آن معطوف به رمان فلسطین پس از ۱۹۴۸ بوده است.

از آنجایی که دادن تصویری از ادبیات یک ملت، بدون پرداختن به حوادث سیاسی و تاریخی آن امکان‌پذیر نیست، در ابتدا به شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فلسطین در دوره مورد نظر پرداخته شده است، سپس عوامل شکل‌گیری نهضت ادبی مورد بررسی قرار گرفته و پس از آن سیر رمان فلسطین از ۱۹۰۰ تا سال ۱۹۴۸ بررسی شده است.

#### ۲. شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فلسطین از ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۸

سرزمین فلسطین در زمان امپراطوری عثمانی بخشی از شام به شمار می‌رفت و تحت استبداد عثمانی‌ها رنج‌های بسیاری را متحمل شدند که تا سال ۱۹۰۸ یعنی سال اعلام قانون اساسی ادامه داشت. رسمیت دادن به زبان ترکی و بی‌توجهی به زبان عربی در این منطقه، عدم اعطای استقلال به اعراب در تمام زمینه‌ها، به‌کارگیری ترک‌ها در حاکمیت مناطق عرب‌نشین،

رؤسای ادارات و سازمان‌ها و افسران ارتش، ظلم و ستم این افراد به مردم عرب، نبود آزادی برای تشکیل انجمن‌های ادبی و علمی و انتشار مطبوعات از جمله ظلم‌های حکومت عثمانی در حق مردم عرب بود (الشهابی، ۱۹۵۹: ۴۲) گرچه اعلام قانون اساسی در سال ۱۹۰۸ بارقه‌امیدی را در دل اعراب ایجاد نمود اما منش استبدادی حکومت عثمانی چندان تغییری نداشت. اعراب از سال ۱۹۰۸ تا سال ۱۹۱۲ برای برقراری مساوات میان اعراب و ترک‌ها و از سال ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۵ برای کسب استقلال مبارزه کردند، اما نتیجه‌ای دربر نداشت (السوافیری، ۱۹۷۹: ۲۴).

انگلیس باهدف دست‌اندازی به کانال سوئز، مصر را به اشغال خود درآورد، سپس ادعای یهودیان را مبنی بر محق بودن در بازگشت به کوه «صهیون» در قدس مطرح ساخت تا زمینه‌ساز تشکیل دولت اسرائیل در فلسطین شود. چنین کشوری می‌توانست حامی منافع انگلیس در منطقه باشد. سال ۱۸۹۷ میلادی صدها نفر از شخصیت‌های یهودی در شهر پازل سوئیس گرد هم آمدند و موافقت خود را برای بازگشت یهودیان به فلسطین اعلام کردند. با شروع جنگ جهانی اول، انگلیس در سال ۱۹۱۷ بیانیه بالفور را با همراهی فرانسه، آمریکا و دیگر کشورهای غربی صادر کرد. بر اساس این بیانیه، انگلیس متعهد بود تا در فلسطین قوم یهود ایجاد کند به همین خاطر در سال ۱۹۲۰ هربرت صاموئیل را به فلسطین فرستاد تا زمینه مهاجرت یهودیان را به فلسطین فراهم کند. فلسطینیان از همان آغاز امر با انگلیس و صهیونیست‌ها به مقابله برخاستند و با تشکیل گروه‌های جهادی، تظاهرات و اعتصاب‌های عمومی به اقدامات عملی دست زدند. از این سال به بعد قیام مردم فلسطین و مهاجرت یهودیان به فلسطین ادامه داشت تا اینکه در نهایت در سال ۱۹۴۷ سازمان ملل متحد، قطعنامه تقسیم فلسطین را صادر کرد و یک سال بعد بن‌گوریون، از رهبران صهیونیستی، تأسیس کشور اسرائیل را اعلام کرد. در این سال، علی‌رغم به رسمیت شناختن اسرائیل توسط برخی کشورهای غربی و شوروی سابق، فلسطینیان به مقاومت خود ادامه دادند. در این سال جنگی میان اسرائیل و کشورهای مصر، اردن، سوریه، لبنان، عراق درگرفت که اعراب شکست خوردند و به دنبال آن هزاران فلسطینی آواره شدند (السوافیری، ۱۹۷۹: ۵۷-۶۴؛ شوفانی، ۱۹۹۸: ۳۴۱-۳۵۳؛ السهلی، ۲۰۰۴: ۶-۸).

از لحاظ اقتصادی، در زمان حکومت عثمانی بیش از هفتاد درصد مردم فلسطین به کشاورزی اشتغال داشتند. کشاورزی سنتی، با ادوات قدیمی و متکی به آب باران باعث می‌شد

چندان عایداتی برای کشاورزان نداشته باشد، حتی پس از اعلام قانون اساسی نیز تغییر چندانی در وضعیت کشاورزان ایجاد نگردید. از لحاظ صنعتی نیز چندان رونقی نبود، صنایع کوچک از حمایت برخوردار نبودند و تشویق برای ایجاد صنایع جدید نیز وجود نداشت. جنگ میان عثمانی و انگلیس معیشت نابسامان مردم فلسطین را وخیم‌تر ساخت؛ اما از سال ۱۹۲۲ که فلسطین تحت‌الحمایه انگلیس شد، به دلیل استفاده از ابزارهای پیشرفته کشاورزی، به‌روز کردن سیستم آبیاری، افزایش سطح زمین‌های زیر کشت، تنوع در محصولات کشاورزی، ایجاد باغات میوه و آبیاری به‌وسیله چاه‌های آب شرایط کشاورزان را بهبود بخشید (اُوین، ۱۹۸۴: ۵۷۵-۵۸۲؛ عکاشه، ۱۹۹۳: ۴۴-۴۸ و ۱۱۲-۱۱۶). همچنین به‌واسطه تولید برق، صنعت این کشور هم پیشرفت کرد. انگلیس دو امتیاز مهم را به یهودیان داد، یکی امتیاز تولید برق به مدت هفتادسال و دیگری بهره‌مندی از منابع دریای مرده (البحر الميت) به مدت هفتادوپنج سال (عکاشه، ۱۹۹۳: ۸۰-۸۱). از لحاظ صنعتی هم، صنایع زیادی در فلسطین راه‌اندازی شد و فلسطینیان بسیاری در آن‌ها مشغول به کار شدند، اما انگلیسی‌های از صنایع یهودی به‌طور ویژه حمایت می‌کردند و حتی دستمزد فلسطینیان نصف دستمزد یهودیان بود. بااین‌حال، شرایط اقتصادی فلسطینیان به نحو قابل‌ملاحظه‌ای بهبود پیدا کرد (السوافیری، ۱۹۷۹: ۶۴-۶۶؛ عکاشه، ۱۹۹۳: ۱۴۵-۱۴۹).

محمد عبدالله الشلح و محمد صدقی الدجانی (۲۰۰۳) در کتاب «التعلیم فی فلسطین فی عهد الدوله العثمانیه ۱۵۱۶-۱۹۱۷» وضعیت آموزش در فلسطین را چنین توصیف می‌کنند؛ در اواخر حکومت عثمانی مهم‌ترین گروه‌های ساکن در فلسطین شامل مسلمانان (۸۰٪)، مسیحیان (۱۰٪)، یهودیان (۷٪) بودند. بر اساس قانون عثمانی هریک از این گروه‌های مذهبی استقلال داخلی خود را داشتند. آموزش در این دوران تابع امنیت و ثبات منطقه بود. اواخر حکومت عثمانی با اصلاحات اساسی همراه بود و نظام آموزشی را نیز دربرگرفت که بر اساس آن، آموزش اجباری و رایگان شد. در سال ۱۸۶۹ قانون الزام استفاده از زبان ترکی در مدارس و پس از آن زبان فرانسه، باعث شد تا اعراب روی خوشی به این قانون نشان ندهند تا اینکه در کنفرانس پاریس در سال ۱۹۱۳ این قوانین تلطیف شد و به پیشرفت آموزش در فلسطین کمک کرد. فلسطین در پایان حکومت عثمانی ۷۷۶ مدرسه داشت که ۴۱۳ مدرسه آن متعلق به اعراب

مسلمان، ۲۵۰ مدرسه متعلق به مسیحیان و ۱۱۳ مدرسه متعلق به یهودیان بود که نسبت جمعیت ساکن در فلسطین به مدارس نشان می‌دهد که اعراب مسلمان تا حد زیادی از تحصیل محروم بودند.

این نشان می‌دهد که «وضعیت فرهنگی و علمی نیز وضعیت نابسامانی داشته است. نبود مدارس در بیشتر مناطق این سرزمین تا سال ۱۹۱۸ نتیجه‌ای جز جهل و بی‌سوادی نداشت» (السوافیری، ۱۹۷۹: ۲۲) در این میان مدارس دینی توانستند با تغییر رویکرد خود از تعلیمات صرفاً دینی به آموزه‌های جدید گام مهمی در جهت علم‌آموزی داشته باشند؛ اما از آنجایی که غیر مسلمانان از شرایط اقتصادی بهتری برخوردار بودند بهره‌ بیشتری در عرصه علم‌آموزی داشتند به همین خاطر است که در اواخر حکومت عثمانی تعداد نویسندگان و خطبای مسیحی بیشتر از مسلمانان است (الحصری، ۱۹۵۷: ۱۲). در کنار مدارس نباید از نقش چاپخانه‌ها، مجلاتی نظیر النفائس العصریه، الأصمعی و الدستور و روزنامه‌هایی همچون القدس، الأخبار، الحریه و الکرمل در توسعه علم و فرهنگ غافل بود (السوافیری، ۱۹۷۳: ۹۵-۱۰۱؛ شوفانی، ۱۹۹۸: ۳۰۳).

### ۳. عوامل نهضت ادبی در فلسطین

#### ۳. ۱. مطبوعات

از آنجایی که اغلب کسانی که در روزنامه‌ها و مجلات، مقاله می‌نوشتند افراد روشنفکر و تحصیل کرده بودند، ضمن آگاهی بخشی به مردم در عرصه‌های مختلف به‌ویژه اجتماعی و سیاسی، در نوع نثر رایج نیز تأثیرگذار بودند. سبک نویسندگی تغییر کرد و محسنات لفظی و تکلف‌گرایی در نثر جای خود را به ساده‌نویسی و بیان معنی در عبارت‌های ساده داد. ادبیات نیز به بطن زندگی مردم راه یافت و پرداختن به مشکلات و مسائل مردم و جامعه از اهداف آن گردید و همین امر رواج نثر ساده و بی‌تکلف را به امری گریزناپذیر بدل ساخت. در کنار آن، پرداختن ادبا و ناقدان به موضوعات جدید در عرصه ادبیات و سایر عرصه‌ها، جامعه را با لغات و اصطلاحات جدیدی آشنا می‌ساخت که نتیجه ترجمه آثار مختلف بود.

القدس الشریف اولین روزنامه‌ای بود که در فلسطین در سال ۱۸۷۶ به دو زبان عربی و ترکی و ماهیانه منتشر می‌شد (یاسین، ۱۹۹۰: ۱۹). مجله «مدرسه صهیون» در سال ۱۹۰۶ و مجله «الترقی» در سال ۱۹۰۷ منتشر شد؛ اما اعلام قانون اساسی در سال ۱۹۰۸ نقطه عطفی در

انتشار مطبوعات در فلسطین به شمار می‌رود و تا ابتدای جنگ جهانی اول روزنامه‌ها و مجلات زیادی منتشر شدند که از جمله آن‌ها می‌توان به القدس، الکرمل و فلسطین اشاره کرد (ابو شنب، ۱۹۹۶: ۲۹). پس از آنکه فلسطین به تحت‌الحمایگی انگلیس در آمد، انگلیس برای ارائه چهره‌ای موجه از خود برای فلسطینیان، به آموزش اهمیت داد و به تبع آن انتشار روزنامه و مجلات نیز افزایش یافت. اولین آن روزنامه «The Palestinian News» بود که در سال ۱۹۲۴ منتشر شد (البرودیل، ۱۹۹۶: ۴۴). بین سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۴۸، تعداد ۱۲۴۱ روزنامه و مجله منتشر شدند (ابوشنب، ۱۹۹۶: ۳۱).

مجله «النفائس العصریه» از نخستین مجلاتی است که به انتشار آثار داستانی چاپ شده از دیگر زبان‌ها و آثار داستانی تألیفی می‌پرداخت. مجله اصمعی و مجله الدستور از جمله مجلات تأثیرگذار در عرصه ادبیات بودند. همچنین روزنامه‌های القدس، الکرمل، الاخبار، الحریه و فلسطین. سایر روزنامه‌هایی از ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۷ منتشر شد می‌توان به الصراط المستقیم، الجامعه العربیه، العرب، الجامعه الاسلامیه، الوحده العربیه، الدفاع و اللواء اشاره نمود و همچنین سایر مجلاتی که از ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۷ منتشر شدند می‌توان به الفجر، المنتدی، المستقبل، الأدیب و الثقافه اشاره کرد (همان: ۳۲).

### ۲.۳. مدارس

تا پیش از اعلام قانون اساسی در سال ۱۹۰۸ از سوی حکومت عثمانی، وضعیت نظام آموزشی دولتی در فلسطین، وضعیت نابسامانی بود و جز مکتب‌خانه‌های قدیمی که مسلمانان، مسیحیان و یهودیان داشتند، مراکز آموزشی به چشم نمی‌خورد. آموزش مکتب‌خانه‌ها نیز منحصر به خواندن و نوشتن، آموزش کتاب‌هایی مذهبی و تا حدی ریاضی بود؛ اما مدارس فرقه‌ای مذهبی و مدارس متعلق به غیرفلسطینیان وضعیت متفاوتی داشتند و از نیمه دوم قرن نوزدهم مدارس مختلفی تأسیس شد. از سال ۱۹۰۸ تا ابتدای جنگ جهانی اول وضعیت به نسبت بهتر شد و دولت تعدادی مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را تأسیس نمود، اما آموزش در این مدارس به زبان ترکی انجام می‌شد. مدارس غیردولتی که عموماً توسط سایر ادیان اداره می‌شد، روش‌های آموزشی خاص خود را داشتند و می‌توانستند زبان خود و روش‌های آموزشی خاص خود را بکار گیرند (اوپن، ۱۹۸۴: ۵۵۷). آن‌ها اگرچه در ابتدا

مدارسی مذهبی به شمار می‌رفتند اما به سرعت با روش‌های آموزشی جدید همگام شده و علوم نو را تعلیم می‌دادند. به همین سبب است که علی‌رغم کم بودن تعداد مسیحیان نسبت به مسلمانان، افراد تحصیل کرده بیشتری داشتند. برخی دیگر نیز برای کسب علم راهی دیگر سرزمین‌ها شدند، برخی به عراق و سوریه رفتند، برخی به مصر، برخی به آستانه و برخی دیگر به اروپا و به‌ویژه فرانسه (السوافیری، ۱۹۷۹: ۶۶).

قیمومیت انگلیس بر فلسطین عرصه فرهنگی کشور را متحول ساخت. انواع مدارس دولتی، خصوصی و تبشیری در فلسطین تأسیس شد و انجمن‌های فرهنگی متعددی تأسیس گردید که تعداد اعضای آن بین سه هزار تا صد هزار نفر بوده است. تمام این عوامل به گسترش داستان و رمان و اقبال عمومی به آن مؤثر بود (عمر شاهین، ۱۹۸۸: ۱۱). بعد از جنگ جهانی اول فلسطین به تحت‌الحمایگی انگلیس درآمد و نظام آموزشی دچار تحول گردید، مدارس، آموزشگاه‌ها و دانشسراها تأسیس شد و تعداد مدارس در سال ۱۹۲۰ از ۲۴۴ مدرسه به ۵۱۴ مدرسه در سال ۱۹۴۵ رسید؛ اما با این تعداد مدارس اندک بود، و به همین سبب مردم نیز در ساخت مدارس کمک می‌کردند و بسیاری از روستا از این طریق مجهز به مدرسه شدند. به دلیل نبود دانشگاه، بسیاری از تحصیل‌کردگان برای ورود به دانشگاه به کشورهای عربی یا اروپایی سفر می‌کردند (السوافیری، ۱۹۷۹: ۱۷) که خود زمینه‌ساز تحول در عرصه ادبیات گردید.

### ۳.۳. ترجمه

آغاز ترجمه در دوره معاصر در فلسطین از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بوده که بیشتر به صورت فردی و معطوف به کتاب‌های مذهبی بود اما پس از مدتی تمام علوم را دربرگرفت. با چاپ روزنامه فعالیت ترجمه از متون دینی به متون داستانی منتقل شد و داستان‌ها، رمان‌ها و پژوهش‌های مختلفی ترجمه شد که به‌عنوان یکی از عوامل نهضت ادبی، متحول شدن زبان عربی و سبک‌های نویسندگی را در پی داشت. ترجمه آثار داستانی در آشنا ساختن فلسطینیان با سبک نویسندگی غربی‌ها و ادبیات غرب سهم بسزایی داشتند. همچنین مدارس خارجی مستقر در فلسطین، مدارس کاتولیک، پروتستان و تزار روسیه نیز در آموزش زبان‌های خارجی مؤثر بودند و زمینه را برای اعزام گروه‌های دانشجویی به روسیه، انگلیس



آلمان و فرانسه و آشنایی با فرهنگ اروپا را فراهم ساختند (شوملی، ۲۰۱۳: ۳۱۷). خلیل بیدس یکی از این افراد است. او در سال ۱۹۰۸ مجله «الفائس العصریه» را منتشر کرد که از مشهورترین مجلات علمی و فرهنگی در کشورهای عربی به شمار می‌رفت و در آن داستان‌های و مقالات ترجمه شده از زبان روسی، آلمانی، انگلیسی و فرانسوی چاپ می‌کرد. از جمله آثار ترجمه‌ای او می‌توان به رمان «دختر سروان» نوشته الکساندر پوشکین، «ترس‌های استبداد» نوشته آکسی نیکولایویچ تولستوی، رمان «رنج حاکمان» نوشته ماری کورالی (رمان‌نویس انگلیسی) اشاره کرد. همچنین ترجمه رمان‌های «عرش و عشق» و «طیب حاذق» و «القوزاقی الولهان»، اما بیدس به نویسندگان آن‌ها اشاره نمی‌کند.

در سال ۱۹۲۲ حسن صدقی الدجانی رمان «حذار الاجتماعیه» را از ترکی به عربی ترجمه کرد. همچنین سلیم قبعین از دیگر مترجمانی بود که در آشنا ساختن اعراب با ادبیات روسیه سهم عمده‌ای داشت. ترجمه «محکمہ جهنم» تألیف لئو تولستوی، «أنشودة الحکم» تألیف تورگینف و «ریب بطرس الأكبر العربی» تألیف پوشکین از جمله فعالیت‌های اوست. همچنین انطوان بلان رمان «فی سبیل الحب» را در سال ۱۹۱۲ ترجمه کرد و جمیل البحری در سال ۱۹۲۱ مجله «الزهره» را منتشر ساخت و در آن به ترجمه رمان از زبان‌های مختلف پرداخت. اسکندر الخوری رمان «غریبایا الحسناء» را از زبان فرانسه و «الفتاة للفارس» و «یومیات کهل» را از زبان روسی ترجمه کرد (شوملی، ۲۰۱۳: ۳۱۹-۳۲۰). می‌زیاده نیز دو رمان به عربی ترجمه کرد. رمان فرانسوی «بازگشت موج» نوشته برادا در سال ۱۹۲۵ و ترجمه رمان انگلیسی «عشق در عذاب» اثر آرتور کانن دوویل که نام اصلی اثر به انگلیسی *The Refugees* بود (خلیل حمد، ۲۰۱۳: ۲۷).

احمد شاکر الکریمی کتاب «قهوه‌خانه سورات» اثر ژاک آنری برناردن دو سن پیر را به سال ۱۹۲۱ ترجمه کرد و در سال ۱۹۲۲ رمان «می یا پاییز و بهار» اثر جفری چاسر، سپس رمان «جاودان» اثر ماریون کرفورد را ترجمه کرد. از ویژگی‌های بارز او در ترجمه رعایت امانت بود، نکته‌ای که در ترجمه هم‌عصران او کمتر دیده می‌شد؛ زیرا افرادی چون خلیل بیدس برای ایجاد جذابیت در ترجمه‌ها، در آن‌ها دخل و تصرف کرده و برای مقبول افتادن در ذهن مردم

دست به حذف و اضافه ترجمه می‌زدند. رشید الدجانی یکی دیگر از مترجمانی است که رمان «دختر کاهن» را از زبان روسی ترجمه کرد (وادی، ۱۹۸۱: ۶۸).

### ۳. ۴. چاپخانه

فلسطین از نیمه‌های قرن شانزدهم میلادی با صنعت چاپ آشنا شد. گروه‌های تبشیری در متحول ساختن این صنعت در قرن نوزدهم مؤثر بودند. پاپ فرانسیسکان در قدس چاپخانه عربی را به سال ۱۸۴۶ راه‌اندازی کرد که ابزارها و حروف آن از اتریش آورده شده بود. این چاپخانه در ابتدای قرن بیستم مهم‌ترین چاپخانه جهان عرب به شمار می‌رفت و کتاب‌های زیادی را به زبان عربی و سایر زبان‌های چاپ کرد. با اینکه بیشتر این کتاب‌ها مذهبی بودند اما در کنار آن، کتاب‌های درسی، ادبی، تاریخی و فرهنگ لغت نیز منتشر می‌شد. تعدادی انگلیسی در سال ۱۸۴۸ به تبع فرانسیسکان چاپخانه قدس را راه‌اندازی کردند. در همین سال ارمنی‌های گریگوریون چاپخانه‌ای در مجاورت دیر خود در کنار کوه صهیون به راه انداختند. در سال ۱۸۷۹ مبشران مسیحی چاپخانه‌ای تأسیس کردند که کتاب‌های مذهبی چاپ می‌کرد. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برخی چاپخانه‌های تجاری در قدس، حيفا و یافا تأسیس شد. با اعلام قانون اساسی در سال ۱۹۰۸ از سوی دولت عثمانی و اعلام قانون آزادی مطبوعات، فعالیت چاپخانه‌ها توسعه یافت از جمله آن‌ها می‌توان به «المطبعة الوطنیه» اشاره کرد که آلفونس انطون آلونسو آن را در اواخر قرن نوزدهم تأسیس کرد و مجله النفائس متعلق به خلیل بیدس و روزنامه الکرمل متعلق به نجیب نصار را منتشر می‌ساخت. جورجی حنایا از نخستین روزنامه‌نگارانی بود که چاپخانه‌ای در سال ۱۹۰۸ به راه انداخت و در آن روزنامه القدس و مجله اصمعی متعلق به حنا العیسی را منتشر کرد. عیسی العیسی و برادرش داود العیسی نیز در سال ۱۹۱۱ چاپخانه‌ای در یافا تأسیس کردند که روزنامه فلسطین را در آن منتشر می‌ساختند. در قدس چاپخانه‌های «دار الأیتام الإسلامیه» و «دار الأیتام السوریه» تأسیس شد که مجلات و روزنامه‌های زیادی را به چاپ رساند. در شهر یافا نیز چاپخانه‌های دیگر راه‌اندازی گردید از جمله؛ المطبعة العصریه، الحریه، الدفاع و الفجر. صنعت چاپ در فلسطین با آغاز جنگ جهانی متوقف و پس از آن از سرگرفته شد، اما به دلیل وخامت اوضاع اقتصادی و سیاسی نتوانست همگام با فناوری روز پیشرفت کند (صابات، ۱۹۶۶: ۳۲۰-۳۲۶). صنعت چاپ به

گسترش روزنامه و مجله و به تبع آن انتشار آثار داستانی ترجمه شده و بعضاً تألیفی کمک کرد و ادبیات داستانی از این طریق توانست در نزد مردم از مقبولیت برخوردار گردد و به پیشرفت برسد.

#### ۴. سیر تحول رمان فلسطین

تاریخ شکل‌گیری رمان فلسطین، هم‌زمان با تاریخ سایر کشورهای عربی همچون عراق، سوریه، لبنان و مصر است، فضای فرهنگی پذیرای این محصول وارداتی از غرب بود؛ رواج ترجمه، اقتباس و تلخیص رمان‌های اروپایی و انتشار روزنامه و مجلاتی که داستان و رمان را مورد توجه قرار می‌دادند. با اینکه این تلاش‌ها نتیجه عمل فردی به شمار می‌رفت و اغلب ترجمه‌ها با حذف و اضافه و گنجاندن مفاهیم و فرهنگ شرقی با هدف سرگرم کردن مردم بود، اما توانست مورد توجه بسیاری از مردم قرار گیرد و روشنفکران را به این عرصه بکشاند. نیمه اول قرن بیستم در ادبیات داستانی فلسطین مرحله تجربه و آزمون است زیرا این نوع ادبی در آغاز کار خود نتیجه فعالیت نویسندگان تازه‌کاری بود که به عوامل تأثیرگذار خارجی پاسخ گفته بودند و تمایل داشتند که ادبیات داستانی را متحول سازند. از آنجایی که ادبیات داستانی (داستان کوتاه و رمان) پیشینه‌ای در ادبیات عرب نداشت، ورود به این عرصه نیازمند شجاعت و جسارت بود تا بتواند از این قالب ادبی جدید در ادبیات عربی استفاده کند (عمر شاهین، ۱۹۸۸: ۱۱).

از دیگر سو، می‌توان چند عامل دیگر نیز به روی‌آوری مردم به ادبیات داستانی افزود که برای ادبیات جهان عرب عمومیت داشته و مختص فلسطین نیست؛ شرایط سیاسی حاکم در کنار افزایش آگاهی و سواد مردم نسبت به گذشته. مردم از ظلم و استبداد قدرت حاکمه آگاه شده و نسبت به شرایط جامعه خود دغدغه‌مند بودند. در چنین شرایطی، افراد روشنفکر به طرق مختلف سعی در آگاهی‌بخشی و جهت‌دهی به مردم داشتند. مسلماً ادبیات یکی از عرصه‌های بارزی است که به این افراد کمک می‌کرد تا مسئولیت خود را در قبال مردم به‌خوبی انجام دهند، لذا به دنبال بهترین گزینه بودند تا بتوانند نزدیک‌ترین قرابت را با مردم داشته باشند و چون با ادبیات غرب نیز آشنایی پیدا کرده بودند، ادبیات داستانی را بهترین انتخاب

می دانستند. گرچه داستان‌های ابتدایی بیشتر جنبه سرگرمی داشته، اما شرایط حاکم به سرعت مسیر آن‌ها را مشخص ساخت تا به ابزاری بدل گردد برای تبیین واقعیت‌های جامعه در قالب داستان.

با این حال شروع پرداختن به ادبیات داستانی در فلسطین همچون سایر سرزمین‌های عربی بود، یعنی در ابتدای قرن نوزدهم ادبیات داستانی مورد توجه قرار گرفت و اولین تلاش‌ها در این عرصه نمود پیدا کرد. نخستین تلاش‌ها با ترجمه آثار غربی آغاز شد. آثار تألیفی خالی از شاخص‌های اصلی و فنی این نوع ادبی بودند، بیشتر جنبه تقلید داشتند و به نوعی بیانگر واقعیت جهان عرب به شمار می‌رفتند. خلیل بیدس، احمد الشاکر الکریمی و جمیل البحری از نخستین نویسندگانی بودند که قدم در این عرصه نهاده و پیشگام شدند. آنان از سه جهت تأثیرگذار بودند؛ ابتدا اینکه هریک از آن‌ها مجله ادبی راه‌اندازی کرده بودند که مسئولیت آن را بر عهده داشتند و در آن به انتشار داستان‌های که اغلب ترجمه شده بودند می‌پرداختند. دوم در عرصه ترجمه ادبی فعالیت می‌کردند و سوم اینکه هر سه آنان بر لزوم توجه به ادبیات داستانی در جامعه فلسطین تأکید داشتند (همان: ۱۲). همچنین با دخل و تصرف در متون ترجمه شده، با حذف و اضافه و وارد کردن ابیات شعری سعی می‌کردند به جذابیت آن بیفزایند.

این ترجمه‌ها زمینه‌ساز نگارش رمان گردید و در سال ۱۹۲۰ سه رمان منتشر شد؛ رمان «ظلم الوالدین» اثر یوحنا دکرت، رمان «الوارث» اثر خلیل بیدس و رمان «الحیاء بعد الموت» اثر اسکندر الخوری. عبدالرحمن یاغی «ظلم الوالدین» را اولین رمان می‌داند (یاغی، ۱۹۸۳: ۶۳) و احمد ابو مطر رمان «الوارث» را با وجود اختلاف نظر در مورد سطح فنی آن، اولین رمان برمی‌شمارد (ابومطر، ۱۹۹۳: ۴۱). تحلیل خاصی از این آثار نمی‌توان ارائه داد زیرا از یک سو در دسترس قرار نداشتند و فقط نظرات برخی خوانندگان ابتدایی این آثار وجود داشت و دوم اینکه در زمان انتشار این رمان‌ها و پس از آن، آثاری که به نقد آن‌ها پرداخته باشد وجود نداشت (صالح، ۲۰۰۴: ۱۷)؛ اما حسین المناصره، اولین رمان را «الضحیه» می‌داند که سال ۱۹۱۲ با نام مستعاری «ی» منتشر شد (مناصره، ۲۰۰۲: ۲۱). با این حال، تحلیل مستندی در مورد این آثار وجود ندارد، به همین سبب نمی‌توان از لحاظ زمانی و فنی اثری را بر دیگری مقدم کرد (صالح، ۲۰۰۴: ۱۸).

گرچه پیش از انتشار رمان «الوارث» و «الحیاء بعد الموت» آثار دیگری منتشر شدند، ولی ارزش ادبی زیادی نداشتند و نمی‌توان آن را در زمره ادبیات داستانی به شمار آورد، همچون: «ام حکیم» نوشته محمد تمیمی، «منتھی العجب فی اخبار أكلة الذهب» نوشته میخائیل عورا و «السیاحه المنصوریه فی الأمصار الغربیه» نوشته بولس عبده السمعانی (عمر شاهین، ۱۹۸۸: ۱۲). بیدس رمان الوارث را به سال ۱۹۲۰ به نگارش درآورد. او در این رمان جوانی سوری به نام عزیز حلبی را قبل از جنگ جهانی اول و در خلال آن، تصویر می‌کند که به تجارت مشغول است و به قاهره سفر می‌کند. در آنجا عاشق رقاصه‌ای یهودی به نام استیر می‌شود. رقاصه با کمک عمویش راحیل جوان را فریب داده و تمام دارایی او را صاحب می‌شود. به همین خاطر او را وادار به قرض گرفتن پول از تاجران یهودی می‌کند، اما پس از مدتی جوان ورشکسته می‌شود. استیر برای اینکه ثروت عموی عزیز را صاحب شود، او را وادار به ازدواج با دختر عمویش می‌کند تا با مرگ عمو، ثروت به عزیز برسد اما این اتفاق با سلامتی عموی عزیز محقق نمی‌شود و او با جسمی بیمار به میان خانواده بازمی‌گردد.

نویسنده جوان را فردی توصیف می‌کند که توجهی به عالم سیاست و جنگ ندارد و با تصویر رقاصه یهود به شکل خون آشام، اعراب را از نتیجه دوستی با یهودی‌ها بر حذر می‌دارد. او با تصویرگری از این زن نشان می‌دهد که شخصیت یهودی برای به دست آوردن ثروت از انجام هیچ عملی دریغ نمی‌کند و در درون خود احساس اندکی گناه ندارد. این تصویرپردازی ظاهراً متأثر از نمایشنامه «تاجر ونیزی» اثر شکسپیر است، زیرا شکسپیر در این اثر شخصیت بسانیو را تصویر می‌کند که برای برگزاری مراسم عروسی خود از یک یهودی رباخوار به نام شایلاک پول قرض می‌کند. شایلاک شرط را چنین تعیین می‌کند که اگر بسانیو نتواند قرضش را پس بدهد بخشی از گوشت بدنش را به عنوان قرض بگیرد. با این تفاوت که در نمایشنامه شکسپیر شایلاک یهودی شکست می‌خورد اما در رمان الوارث، قهرمان محکوم به شکست می‌شود و رقاصه یهودی موفق می‌گردد. تحصیل بیدس در مدارس روسی در فلسطین و آشنایی او با ادبیات روسیه و ترجمه آثار پوشکین و تولستوی، تفکرات کمونیستی و چپ را در او تقویت کرد که نمود آن را در این رمان می‌توان دید؛ یعنی تلاش طبقه سرمایه‌دار برای چپاول

ثروت کشورهای در حال توسعه. البته این تأثیرپذیری صرفاً در عرصه ادبیات بوده و نه سیاست. چراکه از لحاظ سیاسی دولت روسیه تا پس از جنگ جهانی دوم خصومتی با یهودیان نداشت. باین حال، محتوای اثر و نوع نگاه نویسنده نشان می‌دهد که نویسنده چندان به اغراض و سیاست‌های انگلیس و صهیونیسم آشنا نبوده و نتوانسته فلسطینیان را از خطری که در آینده گریبانگیر آنان می‌شد آگاه سازد. بلکه نگاه او در این اثر نگاهی قومیتی است و بیشتر معطوف به قوم یهود بوده تا رژیم به نام صهیونیسم. حتی نویسنده تلاش نکرده تا داستان را در سرزمین فلسطین روایت کند بلکه مکان داستان و حوادث آن در مصر و سوریه قرار داده و همین امر باعث شده است تا اگر نویسنده اندک نگاهی نیز به مسئله توطئه یهود و خطر نفوذ صهیونیسم در فلسطین داشته باشد، به خاطر انتخاب مکان‌های دیگر نتواند خواننده را متوجه این غرض خود سازد (وادی، ۱۹۸۵: ۲۰-۲۳). این رمان پس از سال‌ها عدم انتشار، در سال ۲۰۱۱ چاپ شد. عادل الأسطه از استادان فلسطینی ادبیات عربی در مقدمه کتاب عنوان می‌کند: «شاید امروزه موضوع و سبک این اثر عادی باشد، اما برای پژوهشگران ادبیات فلسطین، سنگ بنای رمان فلسطین به شمار می‌رود که پس از این اثر، رمان رشد و تعالی پیدا کرد».

در همین سال اسکندر الخوری رمان «الحیاء بعد الموت» را نوشت. چنانکه خود خوری در مقدمه رمان بدان اشاره می‌کند او با ادبیات فرانسه، انگلیس و روسیه آشنا بوده و از شخصیت‌هایی همچون پوشکین، تولستوی و شکسپیر تأثیر گرفته است. او در این رمان روایتگر مصیبت‌هایی است که در اواخر حکومت عثمانی بر سر مردم آمده است. در این اثر خانواده‌ای فلسطینی را تصویر می‌کند که پدر خانواده تحت فشار فقر مجبور می‌شود به ارتش عثمانی بپیوندد که قصد داشت با حمله به مصر آن را از چنگال انگلیس آزاد سازد. پدر شبانه همسر را ترک کرده و تصمیم خود را طی یادداشتی به همسرش اعلام می‌کند. او در جنگ به درجه افسری می‌رسد و با افسری سوری به نام سعید آشنا می‌شود. آن‌ها انقلاب‌های عربی شرکت می‌کنند. آنان دستگیر می‌شوند، اما می‌توانند بگریزند. در طی این مدت زن به جستجوی همسر می‌پردازد و رنج‌های بسیاری را متحمل می‌شود. نویسنده پیامدهای اسف‌بار جنگ جهانی اول را بر روی این خانواده ترسیم می‌کند.

علاوه بر این آثار، تا سال ۱۹۴۸ رمان‌های دیگری منتشر شد که اغلب جز یک نام چیزی از آن‌ها باقی نمانده است. نجیب نصار صاحب روزنامه الکرمل، رمانی به نام «فی ذمه العرب» در سال ۱۹۲۲ منتشر کرد که رمانی تاریخی به شمار می‌رود و در رابطه با جنگ ذی قار است. نویسنده در این رمان نظرات و آرزوهای خود را بیان می‌کند. همچنین نجیب نصار رمانی زندگی‌نامه‌ای به نام «مفلح الغسانی» به نگارش درآورد و در آن فضای سیاسی و فکری فلسطین را در زمان جنگ جهانی اول از ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۷ به تصویر کشیده و سنت‌ها و عادات اجتماعی اعراب منطقه را به ترسیم می‌کند به همین خاطر در برخی چاپ‌ها عنوان رمان این‌گونه ذکر می‌شود؛ «روایة مفلح الغسانی - او صفحہ من صفحات الحرب العالمیة». رمان «وفود النعمان علی کسری أنوشروان» نوشته محمد عزه دروزه در سال ۱۹۲۱ به نگارش درآمد و همچنین رمان «السمسار والملاک» که به سال ۱۹۳۴ منتشر شد (وادی، ۱۹۸۱: ۷۴). نویسنده در رمان اول منشی ناسیونالیستی دارد و هدفش متحد ساختن قوم عرب است و در رمان «السمسار والملاک»، نویسنده قهرمان داستانش را قربانی یهودی‌ها می‌داند. در این رمان یک کشاورز فلسطینی به تشویق یک سمسار یهودی با تل آویو می‌رود. سمسار زن جوانی را به او معرفی می‌کند و کشاورز دارایی خود را برای آن زن هزینه می‌کند و حتی پول قرض می‌گیرد و در نهایت مجبور می‌شود برای پرداخت بدهی‌هایش زمینش را بفروشد و سرانجام سر از بیمارستان روانی درمی‌آورد.

در واقع نویسنده به نوعی به حیلۀ یهودی‌ها در خرید زمین فلسطینی‌ها اشاره می‌کند؛ زیرا پیش از بیانیه بالفور مهاجرت یهودیان به فلسطینی در سطحی محدود و عادی بود و مهاجران با خرید زمین به کشت و زرع می‌پرداختند؛ اما صدور بیانیه بالفور انگیزه یهودیان را در مهاجرت به فلسطین و خرید زمین‌ها بالا برد. «سندیکاهای وابسته به بانک برادران روچیلد و دیگر بانک‌ها توانستند گستره وسیعی از زمین‌های حاصلخیز کشاورزی فلسطینیان را صاحب شوند و کشاورزان عرب فلسطینی را به اجبار از آن بیرون کنند. به منظور جلوگیری از فروش مجدد زمین‌ها به اعراب، نمایندگی یهودی، صندوق ملی کلیمیان را برای خریدن زمین با پول گردآوری شده از یهودیان بیرون فلسطین، بنیاد نهاد. زمین‌هایی را که با پول صندوق ملی،

می خریدند، نمی شد فروخت؛ زیرا این زمین‌ها به مدت ۳۵ تا ۴۹ سال به مهاجران یهودیان، به‌عنوان زمین اجاره‌ای واگذار می‌شد» (فوبلیوکف و دیگران، ۱۳۶۷: ۱۸).

در ادامه خلق رمان، جمال الحسینی رمان «علی سکه الحجاز» را در سال ۱۹۳۲ و رمان «ثریا» را در سال ۱۹۳۴ منتشر کرد. نویسنده در رمان «علی سکه الحجاز» به موضوع فروش زمین‌ها به شرکت‌ها و مؤسسات یهودی می‌پردازد، این مؤسسات و شرکت‌ها در پایان حکومت عثمانی پا به عرصه ظهور گذاشته بودند. همچنین در سال ۱۹۳۴ آنور عمرو عرفات رمان «ولکم فی القصاص حیاة» را در بیروت منتشر کرد. جبرائیل أبو سعیدی در سال ۱۹۳۹ رمان «لماذا لیس أنت»، در سال ۱۹۴۲ رمان «أنیسة أو أخوات العدل» و در سال ۱۹۴۷ رمان «السفاحه» را منتشر کرد. رمان «مذکرات دجاجه» اثر اسحاق موسی الحسینی که به سال ۱۹۴۳ به چاپ رسید نقطه عطفی در تاریخ رمان فلسطین به شمار می‌رود زیرا تنها رمان این دوره است که در زمان انتشار خود با اقبال گسترده‌ای مواجه شدند (عمر شاهین، ۱۹۸۸: ۱۲). این رمان در سال‌های ۱۹۴۳، ۱۹۵۳، ۱۹۸۱ و یک بار بدون درج تاریخ در فاصله سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۸۱ به چاپ رسید (فاعوری، ۲۰۰۲: ۸۲). این رمان اثری سمبلیک است که واقعیت جامعه فلسطین را قبل از نکت (۱۹۴۸) ترسیم می‌کند. داستان از زبان مرغی روایت می‌شود که به همراه سایر مرغ‌ها از فقر و بینوایی رنج می‌برند، با فوت همسر مرغ‌ها شرایطشان سخت می‌شود و با آمدن مرغ‌های بیگانه، عرصه بر آنان تنگ می‌گردد. مرغ‌های قدیمی تصمیم می‌گیرند که علیه بیگانگان قیام کنند تا آنان را شکست دهند؛ اما مرغ دانا مدام به صلح و دوستی دعوت می‌کند.

در این اثر، نویسنده به دلیل عدم امکان تبیین حقایق به شکلی صریح، از رمز و نماد بهره برده است (ابومطر، ۱۹۹۳: ۴۳). نویسنده با تقلید از کلیله دمنه، داستان را از زبان حیوانات نقل می‌کند و آنچه را که در ذهن و فکر خود دارد از زبان حیوان نقل می‌کند (وادی، ۱۹۸۱: ۷۹). با اینکه این اثر به‌نوعی بیانگر یک دوره تاریخی از زندگی مردم فلسطین است، اما تأکید بیش از اندازه بر ابعاد نظری-معنوی زندگی انسان باعث شده است که مجموعه‌ای از نظریه‌پردازی‌ها شکل گیرد (ابومطر، ۱۹۹۳: ۳۶). طه حسین در مقدمه این رمان می‌نویسد: «این مرغ عاقل و حکیم است، فیلسوفی که مسائل اجتماعی را عمیقاً مورد بررسی قرار می‌دهد و در مورد آن تصمیم می‌گیرد، شاعری با دردها و لذتهای عشق و دارای عواطف مختلف، مهربانی که با



فقیران و ضعیفان مهربان است... این مرغ فلسطینی است و دوست داشتن خیر و دشمنی با بغض و کینه و آرزوی رسیدن به ایده‌ناله‌ها را در عدالت اجتماعی و بین‌المللی و کرامت بخشی به عربیت می‌داند و اینکه حق هر عرب فلسطینی و هر شرقی عربی است که امروز عزتی همچون گذشته داشته باشد».

در این اثر، اسحاق الحسینی نویسنده مکتب ایده‌نالیست است که از فلسفه خاص خود بهره برده تا امور سیاسی و اجتماعی خود را عمیقاً مورد بررسی قرار دهد. او از رمز استفاده کرده تا چیزی را بر زبان آورد که به خاطر شرایط سیاسی امکان صریح‌گویی در آن وجود نداشته است. او در این رمان یک نویسنده ایدئالیست و صاحب‌خرد است (یاغی، ۱۹۶۸: ۵۱۹-۵۱۸). شخصیت در داستان باید به گونه‌ای باشد که حوادث داستان آن را پیش ببرد، نه اینکه بلندگوی افکار و نظرات نویسنده باشد. در این رمان موضع مرغ در برابر مرغ‌های بیگانه موضع‌گیری ایده‌نالیست است که با واقعیت جامعه همخوانی ندارد. بیگانگان سرزمین او را غصب کرده‌اند، اما او از عدالت گستری سخن می‌گوید. به نظر می‌رسد نویسنده از نظراین مکتب ایدئالیسم به‌ویژه مبانی انقلاب فرانسه تأثیر پذیرفته به همین خاطر قهرمانش را از نپذیرفتن، آزادی و مقاومت منع می‌کند (علیان، ۲۰۰۲: ۴۳).

چند سال قبل از نکبت چند رمان دیگر منتشر شدند، از جمله رمان «فی السیر» محمد العدنانی که به سال ۱۹۴۶ منتشر شد. پرحادثه بودن، وجود کلمات غریب و نامأنوس، آوردن ابیاتی متناسب با جریان داستان و غلبه داشتن جنبه معلوماتی اثر باعث شده است که اثر به کتاب خاطرات شبیه باشد تا رمان. در سال ۱۹۴۷ نیز اسکندر الخوری رمان «فی الصمیم» را منتشر کرد و موضوعی را برای پرداختن انتخاب کرد که مورد توجه اکثر خوانندگان آن دوره بود؛ اما نویسنده نتوانسته بود اثر خود را چهارچوب تقلید آثاری که به چنین موضوعاتی می‌پرداختند رها سازد. سخن گفتن از عشق توسط شخصیت‌های معروف تاریخی و نقل متن کتاب‌های جامعه‌شناسی و نقل قول افراد مشهور باعث شده است تا این رمان اثری دارای نشانه‌های از رمان باشد تا یک رمان فنی به معنای دقیق کلمه (ابومطر، ۱۹۹۰: ۴۲). عجیب این است که اسکندر الخوری در رمان «فی الصمیم» سبکی ناپخته و ضعیف دارد. داستان مربوط به جوانی است به نام فؤاد که عاشق دختری به نام لیلی می‌شود و با وجود مخالفت خانواده‌اش با

او ازدواج می‌کند، نیمی از ثروت پدرش را برمی‌دارد، به نیویورک مسافرت می‌کند و به تجارت مشغول می‌شود. در آنجا به زن دیگری علاقه پیدا می‌کند و شرایط او رو به وخامت می‌گذارد و ورشکست می‌شود. پدرش پیام ارسال می‌کند که او را بخشیده است و می‌تواند برگردد. نویسنده در این اثر به نظریات مختلف جامعه‌شناسی، فلسفی در رابطه با ازدواج و روابط جنسی پرداخته و حتی سخنرانی یکی از رؤسای جمهور آمریکا را آورده است. در واقع این رمان مباحثه در مورد ازدواج در قالب رمان است (عمر شاهین، ۱۹۸۸: ۱۸). در همین سال عارف العارف رمان «مرقص العمیان» را منتشر ساخت. سرگذشت جوان معلولی که علی‌رغم معلولیت و سختی‌ها زیاد، موفقیت‌های بسیاری را کسب می‌کند. این رمان علاوه بر اینکه ویژگی‌های آثار گذشته را داراست، در زمینه شکل‌دهی مشخص به ساختار فنی رمان پیشرفت نسبی داشته است (ابومطر، ۱۹۹۰: ۴۶). البته فاروق وادی طبق بررسی که انجام داده است این اثر را متعلق به عارف العارف لبنانی می‌داند و بیان می‌کند که برخی در آثار خود مرتکب اشتباه شده و این اثر را به عارف العارف فلسطینی نسبت می‌دهند (وادی، ۱۹۸۱: ۸۰).

علی‌رغم اینکه تا پیش از ۱۹۴۸ رمان‌هایی به نگارش درآمد، اما این آثار به سطحی از پیشرفت نرسیدند که بتوان از آن به‌عنوان میراث یاد کرد تا بتواند روند رمان‌نویسی در سال‌ها بعد را شکل دهد (وادی، ۱۹۸۱: ۸۱). رمان‌هایی که بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۳ منتشر شد به دلیل نبود در کتابخانه‌ها و همچنین عدم وجود تحلیل‌ها در مورد آن‌ها به هنگام انتشار و پس از آن، در دوره‌های بعد مورد نقد قرار نگرفتند (صالح، ۲۰۰۴: ۱۸).

##### ۵. نتیجه‌گیری

بررسی رمان فلسطین از ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۸ نشان می‌دهد که سیر تحول این نوع ادبی چندان واضح نیست، بلکه ادبا و ناقدانی که به بررسی آن پرداخته، به گفتن کلیات بسنده کرده‌اند و حتی در تعیین اولین رمان نیز اختلاف نظر دارند. حال این سؤال در ذهن ایجاد می‌شود که چرا این دوره، با اینکه مربوط به گذشته‌ای نزدیک است، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد؟ و توضیح و تفصیلی روشن در مورد این دوره اشاره نشده است؟ شاید بتوان دلیل اصلی آن را شرایط سیاسی فلسطین دانست. موسی اسحاق الحسینی در این رابطه می‌گوید؛ برخی گمان می‌برند که اندک مردم این سرزمین کوچک با جایگاه بزرگ سیاسی و مذهبی که دارد، در عصور گذشته

آثار ادبی خلق نکرده‌اند. از نظر او، این موضوع توهمی است که واقعیت موجود آن را نقض می‌کند، زیرا از زمان فتح اسلام تا به امروز همواره ادیبانی را در آغوش خود پرورده است. باین حال چند عامل را در استقلال پیدا نکردن ادبیات فلسطین مؤثر می‌داند؛ اول اینکه فلسطین در طی دوران مختلف به‌عنوان بخشی از سرزمین عرب بوده و به گونه‌ای نبوده که فردی به‌عنوان حاکم بر این منطقه حاکمیت داشته باشد، بلکه همواره تابع سایر سرزمین‌ها بوده است. دوم اینکه این سرزمین تنها در دو دوره بسیار کوتاه در رمله و بیت المقدس دارای امیر و حاکم بوده و مدت زمان آن به اندازه‌ای نبوده که بتواند به تشویق و جذب ادبا بینجامد و شکوفایی ادبیات را سبب شود؛ و سوم اینکه این سرزمین از رفاه و نعمتهای سایر سرزمین‌ها همچون عراق، شام، مصر و اندلس بهره‌مند نبوده است. لذا عجیب نیست که بسیار از ادبای این سرزمین به دیگر مناطق بروند (الحسینی، ۱۹۹۰: ۴۶).

شرایط مذکور تقریباً تا جنگ ۱۹۴۸ ادامه داشت و حتی قیومیت انگلیس بر فلسطین نیز نتوانست چندان تحولی در ادبیات آن ایجاد کند. «بیشتر منابع بر این تأکید دارند که با آغاز قیومیت انگلیس بر فلسطین، تغییر چشمگیری در عرصه ادبیات رخ نداد بلکه همان تداوم روند گذشته و تقلید اواخر حکومت عثمانی بوده است و تنها انتشار روزنامه‌ها وسعت پیدا کرد» (عباس، ۱۹۹۰، ج ۴: ۱۹). در ادبیات فلسطین تا پیش از ۱۹۴۸ تفاوت بنیادی در موضوعات شعری آن با ادبیات سایر کشورهای عربی وجود ندارد. ادبیات این سرزمین پیش از ۱۹۴۸ ارتباط محکمی با ادبیات عربی به‌ویژه کشورهای همسایه خود همچون مصر، سوریه، لبنان، اردن و حتی عراق داشته و همین ارتباط در ایجاد نهضت ادبی و فرهنگی اثرگذار بوده است. فلسطینیان توجه بیشتری به جریان‌های ادبی کشورهای عربی داشتند و آن را دنبال می‌کردند و موضع مثبتی نسبت به عوامل و انگیزه‌های تحول ادبی داشتند و به شایستگی به ارزیابی آن می‌پرداختند (یاغی، ۱۹۸۳: ۱۰۸).

ویژگی که ادبیات فلسطین را از سایر ادبیات‌ها متمایز می‌سازد ارتباط آن با زمان و مکان و پرداختن به موضوعات سیاسی است؛ زیرا ادبیات این سرزمین چنان با سیاست در آمیخته و عجین است که به دشواری می‌توان میان ادبیات و سیاست جدایی و عدم ارتباط قائل شد؛ اما این موضوع مشخصاً مربوط به قرن بیستم، به‌ویژه پس از ۱۹۴۸ است. بررسی محتوایی

رمان‌هایی که پیش از ۱۹۴۸ نوشته شده‌اند نشان می‌دهند که نویسندگان این آثار چندان با مسائل سیاسی، سیاست‌بازی ابرقدرت‌ها در جهان و نحوه تعامل آن‌ها با کشورهای مستعمره، در حال توسعه و جهان سوم آشنا نبوده‌اند و به ارائه تحلیل‌های سطحی در آثار خود بسنده کرده‌اند و همین انعکاس مسائل سطحی سیاسی، خود ناشی از تحولاتی بوده که به‌نوعی آنان را ناگزیر از پرداختن نویسنده به آن‌ها ساخته است؛ اما پس از ۱۹۴۸ شرایط تغییر کرد و نویسندگان نگاه تیزبینانه‌تر به مسائل سیاسی داشتند و اساساً سیاست بن‌مایه اغلب آثارشان را تشکیل می‌داد.

با بررسی اجمالی محتوای رمان‌های اشاره شده در این مقاله، شاید بتوان دلیل ضعف تحلیل موضوعات سیاسی و انعکاس آن را در رمان فلسطین تا پیش از ۱۹۴۸، آشنایی رمان‌نویسان فلسطینی با ادبیات غرب و روسیه و تلاش برای تقلید محتوایی و ساختاری از آثار آنان بوده، بدون توجه به رسالت اصلی که موجب شکل‌گیری این نوع ادبی شده است. در رمان‌های نویسندگان غربی و روس، پرداختن به جامعه و مسائل اجتماعی نمود بیشتری دارد تا انعکاس پررنگ مسائل سیاسی و همین نکته در رمان فلسطین تا پیش از ۱۹۴۸ وجود دارد؛ زیرا نویسندگان پیش از اینکه به اغراض و پیامدهای سیاسی حضور یهود در فلسطین بپردازند، نگاهشان معطوف به جنبه‌های اجتماعی و اخلاقی بود؛ یعنی حضور افرادی از جامعه آزاد غرب در جامعه مسلمانان که قواعد خاصی در رابطه با تعاملات اجتماعی به‌ویژه نحوه حضور زن در جامعه و تعامل با مردان دارد؛ و دیگر اینکه راضی نگاه داشتن مخاطب و سرگرم کردن او می‌تواند یکی دیگر از دلایل عدم صراحت نویسنده به مسائل سیاسی باشد.

«نویسنده از طرف دانشگاه کوثر با شماره قرار داد ۹۶۰۸۱۵۲۴۹۲ حمایت شده است»

#### کتابنامه

۱. أبو مطر، أحمد. (۱۹۹۰). *الروایة فی الأدب الفلسطینی*. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر.
۲. آوین، روجر. (۱۹۸۴). *تاریخ فلسطین الاقتصادی فی قرن التاسع عشر (۱۸۰۰ - ۱۹۱۸)*. ترجمه یوسف شبل. الموسوعة الفلسطینیة. المجلد الأول. صص ۵۴۹ إلى ۵۹۸.
۳. البردویل، حمد حسین. (۱۹۹۶). *الصحافة نشأتها وتطورها*. ط ۱. غزة: مطبعة منصور.

۴. المناصره، حسین. (۲۰۰۲). *المرأة وعلاقتها بالآخر في الرواية العربية الفلسطينية*. بيروت: المؤسسة العربية.
۵. الحصري، ساطع. (۱۹۵۷). *حولية الثقافة العربية*. مصر: لجنة التأليف.
۶. خليل حمد، فاطمه. (۲۰۱۳). *مترجمات من فلسطين*. فلسطين: دائرة النشر لوزارة الثقافة الفلسطينية.
۷. السهلي، نبيل محمود. (۲۰۰۴). *أرض وشعب منذ مؤتمر بال وحتى ۲۰۰۲*. دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
۸. الشهابي، مصطفى. (۱۹۵۹). *محاضرات عن القومية العربية (تاريخها وقوامها ومراميتها)*. الرياض: دار ابن الأثير.
۹. شوفاني، الياس. (۱۹۹۸). *الموجز في تاريخ فلسطين السياسي*. بيروت: موسسه الدراسات الفلسطينية.
۱۰. شوملي، قسطندي. (۲۰۱۳). «رواد حركة الترجمة في فلسطين». المؤتمر الدولي "دور الترجمة في حوار الحضارات". جامعة النجاح. فلسطين. صص ۳۱۵-۳۲۸
۱۱. صابات، خليل. (۱۹۶۶). *تاريخ الطباعة في الشرق العربي*. ط ۲. القاهرة: دار المعارف بمصر.
۱۲. صالح، نضال. (۲۰۰۴). *نشيد الزيتون؛ قضية الأرض في الرواية العربية الفلسطينية*. دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
۱۳. عباس، إحسان. (۱۹۹۰). *الشعر حتى بداية عهد الانتداب*. الموسوعة الفلسطينية. ج ۴. بيروت:
۱۴. عبدالله شلح، محمد؛ الدجاني، محمد صدقي. (۲۰۰۳). *التعليم في فلسطين في عهد الدولة العثمانية ۱۵۱۶ - ۱۹۱۷*. ط ۱. القاهرة: دار الاحياء الثقافي.
۱۵. عكاشه، احمد خالد. (۱۹۹۳). *قراءات في تاريخ فلسطين الاقتصادي ۱۹۲۰ - ۱۹۴۸*. القدس: دار الكاتب للطباعة والنشر.
۱۶. عليان، حسن. (۲۰۰۲). *البطل في الرواية العربية في بلاد الشام*. عمان: وزارة الثقافة.
۱۷. فوبليكوف و ديگران. (۱۳۶۷). *تاريخ معاصر كشورهای عربی*. ترجمه محمد حسين روحاني. تهران: توس.
۱۸. كامل، السوافيري. (۱۹۷۳). *الاتجاهات الفنية في الشعر الفلسطيني المعاصر*. القاهرة: مكتبة أنجلو المصرية.
۱۹. \_\_\_\_\_ . (۱۹۷۹). *الأدب العربي المعاصر في فلسطين من سنة ۱۸۶۰-۱۹۶۰*. القاهرة: دارالمعارف.

٢٠. ياسين، عبد القادر. (١٩٩٠). *الصحافة والحياة السياسية في فلسطين ١٩٠٧ - ١٩٤٨*. نيقوسيا: دار شرق برس.
٢١. ياغى، عبدالرحمان. (١٩٦٨). *حياة الأدب الفلسطيني الحديث من اول النهضة حتى النكبة*. بيروت: المكتب التجارى.
٢٢. \_\_\_\_\_ . (١٩٨٣). *في الأدب الفلسطيني الحديث*. ط ١. الكويت: الكاظمة.

## مقالات

١. أبو شنب، حسين. (١٩٩٦). «أضواء على الإعلام الفلسطيني في ضوء اتفاق السلام الإسرائيلى». *صحيفة الحياة الجديدة*. العدد ٤٦٦، ٢/١٢/١٩٩٦م.
٢. عمر شاهين، احمد. (١٩٨٨). «رحلة الرواية الفلسطينية. مجلة القاهرة». العدد ٨٣. مايو ١٩٨٨. صص ١١ تا ١٧.
٣. موسى الحسينى، اسحق. (١٩٤٥). «الحياة الأدبية في فلسطين». *مجلة الأديب*. بيروت. مايو ١٩٤٥. صص ٤٦-٤٧.
٤. وادى، فاروق (١٩٨١). «مدخل تاريخى للرواية الفلسطينية. مجلة شؤون فلسطينية». كانون الثانى (يناير) ١٩٨١ م. العدد ١١٠. صص ٦٢ تا ٨٤.